

## سؤال اول :

### اهداف آموزش جغرافیا در

### دبستان چیست ؟



به علت آنکه برخی کشورها اهداف آموزش جغرافیا را در کل نظام آموزشی کشور در نظر گرفته‌اند و بعضی دیگر صرفاً " به برنامه رتوس مطالب بدون تجزیه و تحلیل اهداف نهفته در آنها می‌نگرند، گرفتن یک نتیجه کلی در مورد این سؤال قدری مشکل می‌نماید . با این وجود چهار هدف عمده را می‌توان تشخیص داد :

در حلقه اول، اکثر کشورها یکی از اهداف خود را از آموزش جغرافیا " آگاه ساختن دانش‌آموزان از طبیعت و محیط طبیعی و روابط دقیق فی‌مابین انسان و آن محیط " ذکر می‌کنند .

البته موضوع فوق امری بدیهی شمرده نشده، بلکه جغرافیا به عنوان اساس طبیعت مد نظر قرار گرفته است. برخی کشورها به آموزش جغرافیا از طریق مشاهدات دست اول و صحیح اهمیت می‌دهند و این امر با تشویق دانش‌آموزان برای استنتاج از مشاهدات انجام می‌گیرد. فرانسه، بلژیک، سوئیس، پرتغال و اسکاتلند و سایرین برای نیل به این هدف تقدم بسیاری قائلند .

" عادت به مشاهده و تفکر " مربوط به فرانسه، " عادت به مشاهده و انعکاس آن " مربوط به پرتغال " و نتیجه‌گیری از مشاهدات " مربوط به اسکاتلند می‌باشد .

بعضی کشورها قویاً " تأکید می‌نمایند که برای نیل به این مقصود که دانش‌آموزان نسبت به عقاید و استعداد های مردم سایر کشورها به جز کشور خویش آشنا شوند، جنبه‌های زندگی مردم سایر کشورها را باید به دانش‌آموزان آموخت و آنها را نسبت به این مسئله حساس نمود. مثلاً " فنلاند در تکاپوی آن است که " دانش‌آموزان را از تفکر صرف بر روی مسائل ملی گزاشی باز دارد و همچنان که عشق به وطن را در دل آنان زنده نگه می‌دارد آنان را به سوی آشنائی با چگونگی زندگی در سایر کشورها سوق دهد . " قبرس نیز تقریباً " چنین می‌گوید : این کشور در صدد است تا " عشق به وطن و حساسیت نسبت به دیگران را تشویق نماید . " دانمارک در مورد اغماض نسبت به رفتار سایر ملل و احترام متقابل نسبت به آنها و فرهنگشان مطالبی عنوان کرده است .

ایتالیا " فهم متقابل یکدیگر به صورت صلح آمیز و همکاری‌های گسترده در میان ملل " را از اهداف عمده آموزش جغرافیا در سطح ابتدائی شمرده است .

بالاخره موضوعی که می‌توان بر پایه آن حکم کرد و یک بیان کلی و روشن را ارائه داد این است که " تلفیق مهارت‌های اساسی و شناسائی اصطلاحات جغرافیائی و ارائه ابدای کلی که بعدها مطالعات دانشگاهی بر آن اساس استوار می‌گردد " هدف اساسی آموزش جغرافیای دوره ابتدائی ذکر کرده‌اند .

در شماره گذشته مطالبی مربوط به آموزش جغرافیا در مقطع متوسطه را مطالعه نمودید ، اینک به آموزش جغرافیا در مقطع ابتدائی می‌پردازیم .

در اینجا لازم است برای پی بردن به هدف این مقاله مجدداً " مقدمه " مقاله آموزش جغرافیا در مقطع دبستان را از شماره قبل مطالعه نمایید .

پیشین‌نامه‌ای که مربوط به آموزش جغرافیا در مقطع ابتدائی است شامل طبعیت سؤال می‌باشد . در این قسمت ابتدا باید سؤالات بیان شده و سپس گوشش می‌گردد که عناصر اصلی پاسخ‌های داده شده عبارتند از :

لازم به تذکر است که مطالب نقل شده در داخل گویسه مستطیماً " از متن پرستش‌ها نقل شده است .

ایسلند در ابتدای پاسخ به این سؤال نوشته است : « یادگیری و آموزش یک فرهنگ لغت جغرافیائی ... »

اتریش از « توجه روزافزون به مواد درسی که در مطالعات بعدی، پایو به شمار می آیند » صحبت می کند، و ترکیه « آموزش زیربنائی جغرافیائی طبیعی » را عنوان کرده است، ایرلند اظهار می دارد : « دانش مستحکم از اصول جغرافیائی ... در حالیکه فرانسه اساس را آماده ساختن دانش آموز برای کسب اطلاعات زیربنائی از فضا و روابط علت و معلولی » قرار داده است.

### سؤال دوم :

برای حصول به اهداف تعیین

شده در آموزش جغرافیا از چه

روشهای استفاده می شود ؟

به نظر می رسد بر سر رسیدن از واقعیت قابل لمس به نمود آنها ( مثل نقشه ) توافق کلی بین کشورها برقرار است و همچنین به حضور شخص دانش آموز و تفحص و بررسی شخصی آنها برای نیل به واقعیت های جغرافیائی « اهمیت و ارزش قائل شده اند . در حقیقت نتیجه « مشاهدات دست اول و یا استفاده از منابع و مواد دست اول است که می تواند ارزیابی ای در مورد میزان آموخته شدن مطالب به دست دهند . کلا » در اغلب کشورها دانش آموزان با دانش جغرافیا به میزان کمی آشنا می شوند و در هیچ کشوری روش غالب برای تدریس جغرافیا وجود ندارد . بیشتر امر آموزش در محیط کلاس انجام می شود و اغلب محدود به یک معلم و متنی کتاب درسی است . گاهی معلمین از داستانها ، عکسها ، نمودارها ، فیلم ها و غیره نیز استفاده می کنند که البته این امر به مهارت معلم و قدرت وی برای تحریک انگیزه ها به حضور فعال دانش آموز در کلاس بستگی دارد .

در جواب هایی که از کشورهای فرانسه زبان رسیده است عمدتاً " جوابهای رسیده " روشهای ابداعی " بوده است ولی جواب رسیده از ژنو در این مورد بر " مطالعه " یک منطقه نمونه " تأکید کرده است .

اگر پاسخ های رسیده به سؤال یک را کنار بگذاریم ، احتمالاً هنوز در هیچ یک از کشورها توافقی بر سر کار در بیرون کلاس و مشاهده " دست اول موارد جغرافیائی وجود ندارد . البته در بعضی کشورها تابلوئی قابل ملاحظه در این زمینه به چشم می خورد مثل گردشهای علمی و اردوگاههای تعطیلاتی ، و در اغلب کشورها که ازدحام دانش آموزان در کلاس وجود ندارد ، چنین امری را تشویق می کنند . استفاده از نقشه های بزرگ مقیاس توپوگرافی بوسیله ژنو و

سایر کشورها تشویق شده اما هنوز به طور گسترده از این نقشهها استفاده نمی شود . فرانسه علت این امر را چنین ذکر کرده که " دانش آموزان قدرت استفاده از نوشته های روی نقشهها را ندارند . "

### سؤال سوم :

از چه نوع وسائل کمک

آموزشی در مدارس شما استفاده

می شود ؟

پاسخ های داده شده به این سؤال حاکی از آن است که اغلب کشورها از وسائل رایج سمعی و بصری قابل دسترسی استفاده می کنند ولی قهرس از این لحاظ کمبود احساس می کنند . باید متذکر شد که این کشور از لحاظ طبیعی نیز محدودیت هایی دارد ، اما مشکل است که در مورد میزان آموزشی که در زمینه جغرافیا در هر یک از مدارس انجام می گیرد ، مقایسه ای انجام داد .

خوشبختانه استفاده از وسائل سمعی و بصری رو به گسترش است ، چیزی که مشخص نیست و در سؤال دوم نیز مطرح شده این است که چقدر از مواد مرجع استفاده می شود و چه مقدار از حقایقی که به دانش آموز از طریق این وسائل آموخته می شود ، دقیقاً " دانش آموز آن را یاد می گیرد .

### سؤال چهارم :

در مورد ساعات اختصاص داده

شده به درس جغرافیا ، توضیح

دهید ؟

نخست باید در نظر داشت که در چند سال اول تحصیل در دوره ابتدائی ، عملاً " جغرافیا به عنوان یک موضوع مجزا آموزش داده نمی شود ولی در کل متون درسی برای خود جایی دارد ، در بعضی موارد جغرافیا با مطالعات اجتماعی همراه بوده و در بعضی موارد با علوم طبیعی همراه است ، در سایر موارد وضعیت مشخصی ندارد و با مطالعات کلی در مورد حکومت محلی چه از لحاظ طبیعی و چه انسانی ادغام شده است .

در ایسلند جغرافیا در دو سال تحصیلی با درس تعلیمات مدنی همراه است . در ترکیه و اسپانیا جغرافی همراه با مطالعات طبیعی است . در نروژ ، فنلاند و اسکاتلند و آلمان فدرال دو تا چهار سال جغرافیا بخشی از کل مطالعات محیط محلی را تشکیل می دهد . در این مورد می توان مثالهای دیگری نیز ذکر نمود .

« چون رفتن از یک کشور به کشور دیگر در کلاس درس امری ذهنی تلقی و دست دوم محسوب می‌گردد، در جغرافیای ابتدایی، سایر کشورها جایی ندارند. »

### سؤال پنجم :

در هر سال تحصیلی چند ساعت در هفته به آموزش جغرافیا اختصاص داده شده است ؟

مشکل بتوان به این سؤال پاسخ واضح و روشنی داد، زیرا که جغرافیا عمدتاً " در سالهای اولیه دوره ابتدایی بخشی از " مطالعات محیطی " و یا " مطالعات اجتماعی " را تشکیل می‌دهد. برای این مطالعات ترکیبی معمولاً سه ربع یا یک ساعت و یا حتی تا چهار ساعت در هفته را اختصاص می‌دهند و جغرافیا در این میان حدود ۲۰ تا ۵۰ درصد وقت را به خود اختصاص می‌دهد. در کشورهای که جغرافیا به عنوان یک موضوع مجزای درسی تدریس می‌گردد، سه ربع ساعت تا دو ساعت را در هفته به خود اختصاص می‌دهد.

### سؤال ششم، الف :

معلمان مدارس ابتدایی در کشور شما در چه سنی وارد مراکز تربیت معلم می‌شوند و چند سال در آنجا به تحصیل مشغولند ؟

فقط در چند کشور معدود معلمان مدارس ابتدایی را فارغ التحصیلان دانشگاهها تشکیل می‌دهند و اغلب آنها در مراکز تربیت معلم آموزش ویژه دوره ابتدایی را می‌گذرانند، سن ورود به مراکز تربیت معلم به طور قابل توجهی متفاوت است. در بعضی کشورها مثل اسپانیا و بلژیک داوطلبان ورود به مراکز تربیت معلم باید سنی در حدود ۱۴ تا ۱۵ سال داشته باشند. در این صورت آنها برنامه عادی دوران متوسطه را ادامه می‌دهند و درس آنها چهار تا شش سال طول می‌کشد. در جمهوری فدرال آلمان داوطلبان ورود به مراکز تربیت معلم باید تحصیلات متوسطه را به پایان رسانیده باشند در این صورت حدود ۲۲ سال سن دارند و گاهی اگر خدمت وظیفه را نیز انجام داده باشند، سنشان تا ۲۴ سال می‌رسد و در این سن باید حدود ۳ سال را صرف تحصیلات دانشگاهی و تخصصی

در سایر پاسخهای رسیده به این سؤال می‌توان اهداف منظور دیده در سؤال اول را یافت. مثلاً " در بعضی کشورها جغرافیا مطالب مربوط به جغرافیای طبیعی، نجوم، طول و عرض جغرافیایی، فصول، نواحی اقلیمی و غیره را در بر دارد و در حقیقت یک جغرافیای توضیحی است. ایسلند اعلام می‌دارد که : " دانش - آموزان ۷ تا ۸ ساله عمدتاً " با اصطلاحات جغرافیایی آشنا می‌شوند. فرانسه گزارش داده که : " کار دانش آموزان ۷ تا ۹ ساله را مشاهده عوامل جغرافیایی و توضیح آنها " تشکیل می‌دهد و شامل چهار جهت اصلی، فصول و انواع آب و هوا، زمین و ناهمواریهای آن و غیره می‌باشد. »

سایر کشورها مثل مالت، دانمارک، ترکیه، قبرس، ایرلند و پرتغال نیز چنین مطالبی را آموزش می‌دهند.

در تمام کشورها قبلاً " مطالبی را در مورد وطن دانش آموزان به آنها می‌آموزند و سپس سراغ کشورهای دور دست می‌روند. تقریباً در تمام کشورها دانش آموز بعد از مطالعه کشور خویش به سراغ همسایگان می‌رود. این امر به ویژه در کشورهای که دارای علائق اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی می‌باشند، قویاً " مشاهده می‌شود. مثلاً در هر یک از کشورهای اسکاندیناوی ابتدای تدریس جغرافیای همان کشور شروع می‌شود و سپس سراغ سایر کشورهای اسکاندیناوی می‌روند. لوکزامبورگ به سراغ بلژیک، هلند، فرانسه و آلمان - فدرال می‌رود و قبرس، یونان و ترکیه را به دانش آموزان می‌آموزد. ترکیه نیز مطالبی درباره کشورهای خاور نزدیک به دانش آموزان تدریس می‌کند. به ویژه به این دلیل که اغلب این کشورها روزگاری زیر سلطه امپراطوری عثمانی بوده‌اند و هنوز علائق مشترک و آداب و رسوم مشابه با این کشورها دارد.

بعد از بررسی وطن و کشورهای همسایه، وظیفه جغرافیا را در دوره ابتدایی آشنایی دانش آموز با سایر کشورهای جهان تشکیل می‌دهد، ولی در این میان باید تذکر دهیم که کشورهای تروژ، ایسلند و لوکزامبورگ از جغرافیای اروپا فراتر نمی‌روند.

دانمارک جغرافیای آفریقا را نیز در دوره ابتدایی مد نظر قرار می‌دهد و این کار را با مطالعه مناطق آب و هوایی زمین انجام می‌دهد.

برخی کشورها مایلند در مورد کل جهان نیز اطلاعاتی به دانش آموزان بدهند. ترکیه، قبرس و سوئیس را می‌توان در این مورد مثال زد. سایر کشورها مثل ایتالیا، مالت و اسکاتلند نمونه‌هایی از کشورهای جهان را در نظر گرفته و به طور وسیعی در مورد جغرافیای آنها قلمفرسائی می‌کنند، ولی ژنو درباره کشور نمونه توضیحات کاملی نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد که آلمان فدرال و چند کشور دیگر در جغرافیای دوره ابتدایی خویش، از معرفی کشور وطن فراتر نمی‌روند و علت این امر را چنین اظهار می‌دارند که :

نیاید. کلاً "طول دوره" آموزش در دانشگاه با مراکز تربیت معلم، بین ۲ تا ۶ سال متغیر است.

در اسکاتلند که اغلب معلمان مدارس ابتدائی را فارغ التحصیلان دانشگاهها تشکیل می دهند، این معلمان باید یک دوره یک ساله "ضعیف را نیز برای کسب مجوز معلمی طی کنند.

### سؤال ششم، ب :

### میزان تخصص و تحصیلات معلمان ابتدائی را در مورد جغرافیا بیان کنید ؟

در این مورد می توان اظهار داشت که در کشورهایی که داوطلبان معلمی قبل از تکمیل تحصیلات متوسطه وارد مراکز تربیت معلم می شوند، در سال اول در زمینه جغرافیا به خوبی کار می کنند. بعد از آن نیز در مورد جغرافیای کشور خود نیز به طور مفصل مطالبی می آموزند. از آنجائی که آموزش ایالتی در بعضی کشورها انجام می گیرد، همیشه بخش مهمی از سرفصل های درس جغرافیای دوره "ابتدائی را جغرافیای عمومی و جغرافیای ناحیه ای تشکیل می دهد و همیشه "روش تدریس و تفهیم جغرافیا" به صورت تخصصی به داوطلبان معلمی آموخته می شود ولی این کار بیشتر در کشورهایی انجام می گردد که پذیرفته شدگان مراکز تربیت معلم سن کمتری دارند.

در آلمان فدرال به جز شرکت در سمینارهای اجباری که در طول دو سال اول خدمت برای معلمان برگزار می شود، تقریباً هیچ آموزش ضمن خدمت دیگری برای معلمان جغرافیای مدارس ابتدائی وجود ندارد.

دانمارک گزارش می دهد که : " در این مورد دوره های یک ساله وجود دارد . . در انگلستان و اسکاتلند دوره های کوتاه مدتی برای بازآموزی در طول تعطیلات مدرسه وجود دارد که توسط وزارت آموزش و علوم و یا سایر سازمانها برگزار می گردد، اما . . . . . " شرکت در این دوره ها اجباری نیست . .

در هلند " کلاسهای آموزش ضمن خدمت چیز غریبی است و فقط مراکز آموزش علوم به تازگی چنین کلاسهای دایر کرده اند، به هر حال در این زمینه قدم هایی برداشته شده است . .

در بلژیک " کنفرانس های آموزش علوم بوسیله دفتر نظارت ترتیب داده شده است . . در حالیکه در فرانسه " کلاسهای باز - آموزی در سیستم آموزشی این کشور در اردوگاههای تعطیلاتی و ضمن کنفرانس های یک روزه تشکیل می شوند . .

در هیچ یک از کشورهای مورد سؤال کلاسهای منظم و اجباری

برای شرکت معلمان جغرافیا و بازآموزی و یا آموزش ضمن خدمت آنها وجود ندارد.

به هر حال باید متذکر شد که در ایسلند تمام معلمان در سیستم آموزشی دولتی حق دارند که بعد از ده سال خدمت آموزشی از فرصت مطالعاتی استفاده کنند و از آنها انتظار می رود که کارآیی و تخصص خود را در ضمن این فرصت مطالعاتی افزایش دهند و برای مطالعه " جغرافیای سایر کشورها به خارج سفر کنند. کشورهایی که دارای سیستم آموزشی مشابه ایسلند هستند نیز چنین انتظاراتی از فرصت مطالعاتی معلمان خود دارند.

### سؤال هفتم :

### آیا در کشور شما برای حذف درس جغرافیا و یا کاهش وقت اختصاص داده شده بدان در دوره ابتدائی اقداماتی صورت گرفته است ؟

پاسخ های رسیده به این سؤال نشان می دهد از آنجائی که اغلب کشورها معتقدند در سالهای اولیه دوره "ابتدائی تدریس جغرافیا به عنوان یک موضوع مجزا امکان پذیر نیست بنابراین باید ساعت آن نیز کم باشد و یا " مطالعات اجتماعی " و یا تعلیمات مدنی " همراه باشد.

در مورد جغرافیا به حالت ترکیبی با دروس فوق هیچ گونه شکوه و شکایتی نرسیده است. آلمان فدرال موقعیت جغرافیا را در مدارس ابتدائی به خوبی بیان کرده است، این کشور گفته که :

" بحثی در مورد کاهش وقت اختصاص یافته به جغرافیا مطرح نیست زیرا جغرافیا قلب مطالعات مربوط به وطن را تشکیل می دهد . .

